

ضرورت استنباط «سبک زندگی» از قرآن

سیدرضا مؤدب *

ابراهیم رضایی آدریانی **

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۶

تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱۲/۰۱

چکیده

«سبک زندگی» از موضوعات حیاتی و مهم اجتماعات بشری است و ابعاد مختلف زندگی بشر را پوشش می‌دهد. از دیگر سوی، هدف قرآن کریم هدایت بشر است و یکی از کلیدی‌ترین مؤلفه‌های هدایت، «سبک زندگی» است. جامعیت و جاودانگی قرآن اقتضا می‌کند آنچه بشر در مسیر رشد و کمال خود به آن نیاز دارد را بیان کرده باشد و چنین نیز هست. در قرآن کریم این قابلیت وجود دارد که برای زندگی تمامی انسان‌ها با سلیقه‌ها و شرایط گوناگون برنامه‌ای جامع ارائه کند و سعادت دنیا و آخرت آنها را تأمین کند. روشن است که در زمان ما بیش از هر زمان دیگری، بشریت تشنه چنین برنامه‌ای است. اینجاست که ضرورت «استنباط سبک زندگی از قرآن» آشکار می‌گردد که هدف از نگارش این مقاله، تأکید بر این مقوله و اثبات آن است. از این رو پس از بیان کلیات و مفهوم‌شناسی، با تمسک به دلایل عقلی و نقلی، این ضرورت به اثبات رسیده و در ادامه، آثار استنباط سبک زندگی از قرآن و ویژگی‌های تشریحات قرآنی تشریح شده است. در پایان نیز نمونه‌هایی از آموزه‌های قرآنی در حوزه سبک زندگی، ارائه شده تا جنبه کاربردی این بحث روشن‌تر گردد. نتیجه این مقاله آن است که قرآن کریم پاسخگوی تمامی نیازهای بشر در حوزه سبک زندگی در هر زمان و مکان است و استخراج روشمند این ظرفیت عظیم از قرآن، برای قرآن‌پژوهان و فرهیختگان یک ضرورت به حساب می‌آید.

کلیدواژه‌ها: استنباط، سبک زندگی، قرآن، شیوه زندگی کردن، اضطرار به وحی.

* استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم. Moadab_113@yahoo.com

** عضو هیأت علمی جامعة المصطفی واحد اصفهان (نویسنده مسؤول). Erezaei@ymail.com

مقدمه

در عنوان این مقاله چهار اصطلاح به کار رفته

که عبارت‌اند از: «ضرورت»، «استنباط»، «سبک زندگی» و «قرآن»:

۱. ضرورت

«ضرورت» و «اضطرار» هر دو از ماده «ض ر ر» هستند. ضرر در مقابل نفع قرار دارد و به معنای آسیب و نقصان وارد شدن به کسی است (جوهری، ۱۴۱۰ مصطفوی، ۱۳۶۰: ماده ضرر)؛ بنابراین هنگامی که شخصی در معرض آسیب و ضرر است، گفته می‌شود برون‌رفت از این شرایط برای او «ضرورت» دارد و اگر چنین نشود دچار آسیب و نقصان خواهد شد و او مضطر است. در این مقاله مراد از «ضرورت» و «اضطرار» دقیقاً همین معناست.

ممکن است کسانی «سبک زندگی قرآنی» را به‌عنوان یکی از گزینه‌های موجود و در کنار سایر مکاتب بشری بپذیرند و یا ترویج نمایند. در حالی که فکر بشر از ارائه الگوی جامع زندگی برای سعادت دنیا و آخرت انسان عاجز است. در نتیجه بشر به کلام وحی «مضطر» است و استنباط سبک زندگی از قرآن، تنها راه پیش روی اوست که اگر آن را نپیماید هرگز به مقصود نخواهد رسید؛ بنابراین نگارنده بر دو تعبیر «ضرورت استنباط سبک زندگی از قرآن» و «اضطرار بشر به وحی» تأکید دارد.

۲. استنباط

استنباط در لغت از ریشه نبط معنایی شبیه «نبع» دارد و به معنای بیرون زدن آب از چشمه یا چاه است و هنگامی که به باب استفعال برود به معنای استخراج و

تفاوت انسان با حیوانات عقل اوست و این عقل حکم می‌کند که انسان برای زندگی در این دنیا به «برنامه» نیاز دارد. برنامه‌ای که تمام ابعاد فردی و اجتماعی، مادی و معنوی و جسمی و روحی او را در بر بگیرد و او را به سعادت برساند؛ اما آیا این عقل قدرت تنظیم و تولید چنین برنامه‌ای را نیز دارد؟ آیا بشر می‌تواند بدون بهره‌گیری از قدرتی ماورایی و آسمانی، تمامی نیازهای خود را برآورده نماید و مسیر کمال را طی کند؟ پاسخ مسلماً منفی است و بشر برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت به برنامه‌ای که از سوی خالق او تنظیم شده باشد «اضطرار» و نیازی همچون نیاز به اکسیژن دارد و بدون آن ره به جایی نمی‌برد.

قرآن کریم پاسخگوی نیاز بشر در هر عصر است و برای رشد و تعالی دنیا و آخرت او برنامه دارد. از دیگر سوی، مباحث مربوط به سبک زندگی به صورت مستقیم با زندگی فردی و اجتماعی بشر در ارتباط است و رسالت مفسران قرآن کریم و عالمان دینی آن است که آموزه‌های مربوط به سبک زندگی را (با در نظر گرفتن مقتضیات هر عصر) به صورت شفاف و روشن از قرآن کریم استخراج کرده، فراروی طالبان آن قرار دهند.

مفهوم‌شناسی

در طلیعه بحث لازم است تصویر روشنی از واژگان کلیدی و پرکاربرد در مقاله ارائه شود و تلاش‌های پیشین دانشمندان در این زمینه منعکس گردد تا آخرین حلقه این زنجیره و گام جدیدی که قرار است این نوشتار بردارد نمایان شود:

بیرون کشیدن کاربرد دارد (ابن فارس، ۱۳۸۷؛ جوهری، ۱۴۱۰: ماده نبط) براساس این معنای لغوی، استنباط را در اصطلاح چنین معنا کرده‌اند: «بیرون کشیدن معانی و مقاصد از اعماق و ورای ظواهر الفاظ» (ولایی، ۱۳۸۷: ۷۰). لازم به ذکر است که قرآن کریم سبک زندگی مطلوبی را برای بشر (در تمامی ابعاد) ترسیم کرده است و هدف از استنباط، تنها کشف آن است نه تولید و ترسیم آن. چراکه این آموزه‌ها در شریعت مقدس اسلام بیان شده و وظیفه ما تنها استخراج آنها به دور از هرگونه تحمیل بر قرآن است.

۳. سبک زندگی

سبک در لغت به معنای قالب است و هنگامی که طلا یا فلزات دیگر در کوره گداخته و مذاب می‌گردد و در قالب ریخته می‌شود به آن سبک و به قالب آن سبیکه گفته می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ماده سبک) بنابراین می‌توان قالب و شکل ظاهری هر چیز را سبک آن دانست. واژه‌شناسان پارسی‌زبان نیز سبک را چنین معنا کرده‌اند: «روش خاص ادراک و بیان افکار و وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر» (دهخدا، ۱۳۷۳: مدخل سبک).

«سبک» غالباً مضاف واقع می‌شود و منظور از آن، قالب و هیأت ظاهری مضاف‌الیه آن است، لذا سبک زندگی در لغت به معنای قالب و شیوه زندگی کردن خواهد بود. معادل رایج واژه «سبک» در زبان عربی تعبیر «اسلوب» و در زبان انگلیسی «style» است (آذرنوش، ۱۳۸۴: مدخل سلب).

در تعریف اصطلاحی «سبک زندگی» اظهارنظرهای فراوانی مشاهده می‌شود که در یک

جمع‌بندی می‌توان تعریف زیر را برای سبک زندگی برگزید: «شیوه‌هایی از زندگی است که انسان با تکیه بر نظام ارزشی و مبانی اعتقادی خود در زندگی فردی و اجتماعی برای ایجاد ارتباط با محیط و جامعه، پاسخ به خواسته‌ها و تأمین نیازهایش به‌کار می‌گیرد» (کاوایانی، ۱۳۹۱: ۱۶).

مقام معظم رهبری (دامت برکاته) که سردمدار احیاء سبک زندگی اسلامی در سال‌های اخیر به شمار می‌آیند نیز سبک زندگی را در یک کلام «رفتار اجتماعی و شیوه زیستن» تعریف نموده‌اند (جعفرزاده، ۱۳۹۳: ۱۰۹).

ایشان در ادامه برای سبک زندگی نمونه‌هایی برمی‌شمارند که منظور ایشان را از این تعریف واضح‌تر می‌نماید. این نمونه‌ها عبارت‌اند از: ازدواج، مسکن، الگوی مصرف، خوراک، نوع آشپزی و تفریح، خط و زبان، کسب‌وکار، رفتار در محل کار و دانشگاه و مدرسه، فعالیت‌های سیاسی، ورزش، رسانه، رفتار با پدر و مادر و همسر و فرزند، رفتار با پلیس و مأموران دولتی، رفتار با دوست و دشمن، مسافرت‌ها، طهارت و نظافت و در یک کلام آنچه با «عقل معاش» مدیریت می‌شود (همان: ۱۱۰). از تعاریف و نمونه‌های فوق‌الذکر روشن می‌شود که قلمرو سبک زندگی فراتر از «آداب معاشرت» است و موضوعات مختلف فقهی و سیاسی نیز در آن وارد می‌شود. در این مقاله نیز منظور ما از سبک زندگی همین معنای عام است؛ لذا در ادامه، نمونه‌هایی از «سبک زندگی رهبر جامعه اسلامی»، «سبک زندگی نظامی و سیاسی» و همچنین برخی موضوعات فقهی مرتبط با شیوه زیستن و رفتار اجتماعی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۴. قرآن

واژه قرآن از ماده «قرأ» به معنای جمع کردن است و قرآن، قرآن نامیده شد، زیرا عبارات و آیات را کنار هم جمع می‌کند یا اینکه ثمرات کتب نازل شده قبل از خود را جمع کرده است؛ یا اینکه تمام انواع علوم را در جای خود جای داده است (راغب، ۱۴۱۲: ماده قرأ).

پیشینه

«سبک زندگی» (به معنای کلی خود) مقوله‌ای است که پیشینه‌ای بسیار دور و دراز دارد و نه تنها از صدر اسلام تاکنون که در امت‌های پیشین نیز مورد توجه بوده و تاریخچه پرداختن به آن را می‌توان از آغازین روز پا گذاشتن بشر بر این کره خاکی جستجو کرد.

آیات متعددی از قرآن کریم و طیف وسیعی از روایات به این موضوع اختصاص دارد (که در ادامه به بخشی از آنها اشاره خواهد شد) و دانشمندان مسلمان نیز کتب متعددی در این زمینه نگاشته‌اند. البته آثار دانشمندان مسلمان عمدتاً رنگ و بوی «آداب معاشرت» دارد و از تعریف ارائه شده برای سبک زندگی، اخص است. برخی از آثار شاخص در این زمینه عبارت‌اند از: *الآداب الدینیة* شیخ حر عاملی ره، *حلیة المتقین* علامه مجلسی ره، *سنن النبی* علامه طباطبایی ره، *مفاتیح الحیاه* آیت‌الله جوادی آملی دامت برکاته و *آداب معاشرت* آیت‌الله مکارم شیرازی دامت برکاته؛ اما سبک زندگی به معنای مصطلح امروزی در قرن اخیر به کار رفته است و اولین بار توسط «آلفرد آدلر» در روانشناسی به سال ۱۹۲۹ میلادی ابداع شد. هرچند آدلر آن را ابداع کرد، ولی پیروان کلاسیک او و دیگران به تفصیل آن پرداخته‌اند.

نظر به اینکه مسأله سبک زندگی از مسائل بنیادین و تأثیرگذار در فرهنگ هر جامعه است، در بسیاری از جوامع مورد توجه دانشمندان واقع شده و در کشور ما نیز کم و بیش مورد توجه واقع شده است؛ اما پس از توصیه مقام معظم رهبری حفظه الله مبنی بر احیای سبک زندگی اسلامی، گرایش به پژوهش در این زمینه افزایش یافته است. با توجه به توصیه مذکور در طول سال‌های اخیر همایش‌ها، سخنرانی‌ها، مقالات و حتی کتب و نرم‌افزارهای متعددی پیرامون سبک زندگی ارائه شده است. در این میان می‌توان به کتاب سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن از دکتر محمد کاویانی و دین و سبک زندگی نوشته محمدسعید مهدوی کنی اشاره کرد.

از نشریاتی که در سال‌های اخیر منتشر شده و موضوع سبک زندگی اسلامی را دنبال می‌کند نیز به سه مورد اشاره می‌شود: فصلنامه سبک زندگی دینی، سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقرالعلوم علیه‌السلام؛ فصلنامه مطالعات سبک زندگی، سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران؛ دوفصلنامه پژوهشنامه سبک زندگی، مؤسسه فرهنگی هنری سبک زندگی آل یاسین.

چنان‌که سلسله سخنرانی‌ها، همایش‌ها، مقالات و نرم‌افزارهایی نیز با عناوینی همچون «سبک زندگی قرآنی»، «سبک زندگی علوی»، «سبک زندگی فاطمی»، «سبک زندگی عاشورایی»، «سبک زندگی رضوی» و ... مشاهده می‌شود که نشان از اقبال اهالی فرهنگ جامعه به این موضوع دارد؛ اما با توجه به ابعاد مختلف زندگی و وسعت موضوعاتی که بشر در دوران معاصر با آنها در ارتباط است، به نظر می‌رسد هنوز

است و عقل بشر دسترسی به آن ندارد، نیاز به آیین‌نامه و نقشه راهی دارد که با تسلط و سیطره بر همان عالم تنظیم شده باشد و آن چیزی نیست جز کتاب آسمانی و وحی. آیت‌الله جوادی آملی (دامت برکاته) این برهان عقلی را در قالب چهار مقدمه بیان می‌نماید.

اثبات ضرورت نزول وحی و بعثت، برای رساندن انسان به سعادت واقعی و حقیقی خود او با این مقدمات تبیین می‌شود:

الف: آفریدگار انسان، خدای علیم و حکیم است که او را برای مقصد و هدفی عالی آفریده است.

ب: انسان، حقیقتی جاودانه است و باید در «صراط مستقیم» به سوی ابدیت حرکت کند تا از این راه، سعادت ابدی خود را تأمین کند و اگر در این راه مرتکب خطا شود، دچار شقاوت و محرومیت از سعادت ابدی خواهد شد.

ج: چون انسان مخلوق خدای علیم و حکیم است، فقط خداوند به حقیقت انسان و ابعاد وجودی او و نیازهای وی واقف است.

د: اگر غیر خدا بخواهد در این راه قدمی بردارد، چون معصوم نیست، دچار اشتباه شده، با فراهم کردن زمینه‌های سقوط انسان، موجب محرومیت ابدی وی می‌شود و سقوط و محرومیت ابدی انسان با عنایت و حکمت خداوند سازگار نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۶).

۲. خطاپذیری مکاتب بشری

هر قانونی که با تکیه بر عقل و تجربه بشر نوشته شده باشد احتمال خطا در آن بسیار است و نمی‌تواند به‌طور کامل قابل اعتماد باشد چرا که براساس تجربه و

فعالیت مضاعفی در این رابطه نیاز است. در نوشتار حاضر ضرورت پرداختن به این موضوع در سه محور دلایل، ویژگی‌ها و نمونه‌ها سامان یافته است:

دلایل

مکاتب بشری به دنبال ترسیم ساختاری برای سبک زندگی هستند که بیشترین سود و بهره نصیب بشر شود و او را از آفات و موانع موجود در زندگی مصون بدارد؛ اما تردیدی وجود ندارد که بهترین برنامه زندگی آن است که بر پایه وحی و کلام خالق ترسیم شود. چرا که علم ما محدود است و بسیاری از جوانب جسم و روح انسان بر ما پوشیده است و تنها خالق است که می‌تواند با احاطه و علم و قدرت خود برنامه‌ای کامل برای زندگی ما ترسیم نماید و سعادت ابدی ما را تضمین کند.

الف- ادله برون‌دینی اضطرار به وحی

سیر منطقی اقتضا می‌کند پیش از پرداختن به آیات و روایات، ادله برون‌دینی و عقلی مطرح شوند تا برای مخاطبانی که هنوز قرآن کریم را نپذیرفته‌اند، قانع‌کننده باشد:

۱. عدم احاطه عقل به تمامی نیازهای بشر

انسان ترکیبی از جسم و روح است و به تبع آن نیازهای او نیز به دو دسته جسمی و روحی تقسیم می‌شوند. حداکثر توان انسان (پس از تجربه و آزمون و خطای بسیار) آن است که برای نیازهای جسمی خود راه‌حلی بیندیشد و پاسخی درخور بیابد؛ اما نیازهای روحی از آنجا که با عالم ماوراءالطبیعه دست‌به‌گریبان

شک برنامه‌ریزی او دارای نقصان خواهد بود. آیت‌الله مصباح یزدی دامت برکاته در این زمینه چنین می‌نگارد: به موجب اتصاف خدای متعال به چندین صفت، باید وضع قانون تنها در اختیار او باشد:

۱. همه اشیاء و ارتباطات میان آنها را او آفریده است؛ ۲. اوست که علم بی‌کران دارد؛ ۳. اوست که غنی مطلق و جواد علی الاطلاق است؛ سود نمی‌خواهد، فقط جود می‌کند؛ ۴ و ۵. اوست که حکمت بالغه دارد و مالک حقیقی همه جهان آفرینش است؛ ۶. اوست که ربوبیت تشریحی و مولویت دارد.

پس ملاک احتیاج به قانون‌گذاری الهی، مجموع همه اوصاف قدرت، خلق، ربوبیت تکوینی، علم، غنا، جود و فیاضیت، حکمت، مالکیت حقیقی، حاکمیت و ولایت است، نه یک یا چند مورد از اینها (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۷۷).

با توجه به مقدمات سه‌گانه فوق، عقل سلیم حکم می‌کند که تنها راه سعادت و کمال همه‌جانبه بشر، تمسک به وحی است و هر راهی جز این، او را به مقصد نمی‌رساند.

آنچه گذشت مهم‌ترین دلایلی بود که برای اثبات اضطراب به وحی می‌توان به آنها تمسک کرد. در کنار این ادله، شواهدی نیز وجود دارد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به «برجستگی‌های تشریحات قرآن و مقررات اسلام» اشاره کرد.

احکام و آموزه‌های قرآنی از جهات مختلف بر دیگر قوانین تفوق و برتری دارند و این امتیازات نشان‌دهنده آن است که هر مکتبی که دستورات خود را از غیر وحی گرفته باشد ناقص است و توان به سعادت رساندن بشر را ندارد.

استقراء استوار است. از سوی دیگر با توجه به زندگی جمعی و به تبع آن نیازهای اجتماعی بشر و همچنین غرایزی همچون سودجویی و حب ذات، قوانینی که بشر وضع کند همواره در معرض جانب‌داری و خروج از مسیر عدالت است؛ اما وحی الهی از هرگونه خطا و انحراف مبرا است و عادلانه‌ترین مقررات را برای بشر وضع می‌کند (رکنی، ۱۳۷۹: ۱۱).

خطاپذیری مکاتب بشری در طول قرن‌های گذشته به صورت مکرر تجربه شده و تاریخ مکاتب بشری گواه بر این مطلب است. یکی از بزرگان معاصر در این زمینه می‌نویسد: «وجود مکاتب مختلف و متضاد حقوقی و تغییرات مداومی که بشر پیوسته در مواد قوانین موضوعه خود اعمال می‌کند کاشف از این است که بشر همچنان نیازمند به وحی است و از احاطه کامل علمی برای وضع قوانین برخوردار نیست» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۵۶۷).

در ادامه به نمونه‌هایی از آزمون و خطای بی‌حاصل بشر در وضع مقررات زندگی اشاره خواهد شد.

۳. صفات سلبی و ثبوتی حق تعالی

خدای متعال تنها کسی است که از علم، قدرت، حکمت، ولایت، جود و سخا و مالکیت عالم به طور مطلق برخوردار است و برای تدوین نقشه زندگی بشر همگی صفات فوق در حد اعلا لازم است. از سوی دیگر باری تعالی از بخل و حسد و هرگونه نیازی مبرا است و مصلحت و مفسده بشر را به او رهنمون می‌شود. بنابراین هرکسی جز خدا برنامه زندگی انسان را تدوین کند به لحاظ کمبودی که در صفات فوق دارد بدون

ویژگی‌های تشریحات قرآنی

قرآن کریم از آن جهت که سخن خالق است از هر نقصان و کمبودی مبرا است و همه نیازهای مخلوق را در نظر گرفته است. جهت تکمیل ادله اضطرار به وحی، به پاره‌ای از این ویژگی‌ها (متناسب با موضوع بحث) اشاره می‌شود:

۱. ملاحظه هر دو بعد انسان

قرآن کریم در کنار در نظر گرفتن جسم انسان و نیازهای آن، به روح و اقتضائات آن نیز توجه دارد و متناسب با هر دو بعد انسان حکم صادر می‌کند. این در حالی است که غالب مکاتب بشری از بعد روحانی بشر غافل شده‌اند و تنها به نیازهای جسم پرداخته‌اند. در حالی که سلامت روح اصل است و سلامت جسم به‌عنوان مقدمه و ابزار برای رسیدن به سلامت روحی اهمیت دارد.

۲. هماهنگی با فطرت

برخی از پژوهشگران از اصل فوق با عنوان «اصل تطابق دستگاه تشریح با دستگاه تکوین» یاد کرده‌اند (رحیمیان، ۱۳۷۹: ۲۵).

در سرشت تمامی انسان‌ها ویژگی‌های مشترکی (فراتر از غرایز مادی) وجود دارد که آنها را فطرت می‌نامیم. گرایش به خوبی‌ها، جمال‌دوستی و کمال‌طلبی، عشق و پرستش، گرایش به خلاقیت و ابداع و... از این قبیل هستند (مطهری، ۱۳۷۲: ۵۰).

قوانین قرآنی با فطرت بشری مطابق هستند و آن را ارضاء می‌کنند. برخلاف بسیاری از مقررات بشری که فطرت سالم انسان‌های پاک، آنها را پس می‌زند.

۳. اهتمام به کرامت انسان

قرآن کریم برای انسان کرامت ویژه‌ای قائل است و او را بر جمیع مخلوقات برتری می‌دهد (اسراء/۷۰؛ کهف/۲۷؛ ابراهیم/۳۲ و بقره/۳۰). این کرامت در تک‌تک مقررات و آموزه‌های قرآنی خود را نشان می‌دهد. درعین حال قرآن کریم برای انسان اصالت قائل نیست و او را محور هستی نمی‌داند.

همچنین از منظر قرآن کریم جان انسان‌ها محترم است و اگر کسی متعرض جان یک انسان شود جنایت جبران‌ناپذیری مرتکب شده است (مائده/۳۲). گذشته از لزوم احترام به جان یکدیگر کسی حق ضایع کردن جان خود را نیز ندارد (بقره/۱۹۵).

۴. انعطاف‌پذیری و تدریج

قرآن کریم هرگز بر بشر سخت نگرفته و درعین حال که او را مسئولیت‌پذیر و متعبد تربیت می‌کند از سخت‌گیری و تکالیف دشوار و غیرقابل‌تحمل پرهیز نموده است: «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ» (مائده/۶)؛ «خدا نمی‌خواهد تا بر شما هیچ تنگ بگذرد.»

در راستای همین انعطاف‌پذیری و آسان‌گیری است که قرآن کریم برخی از تشریحات خود را به‌صورت تدریجی و طی چند مرحله بیان داشته و اقتضائات مخاطب را در نظر گرفته است.

به‌عنوان نمونه می‌توان به حکم ممنوعیت شرب خمر در قرآن کریم اشاره کرد. با توجه به عمومیت شراب‌خواری در جامعه صدر اسلام، ممنوعیت شراب در اسلام به‌صورت تدریجی صورت گرفت و در هر مرحله بسترسازی لازم جهت بیان حکم در مرحله بعد،

مشاهده می‌شود؛ بدین ترتیب که:

۶. وسعت مخاطبان

خطاب‌های قرآن عام است و همه انسان‌ها در هر زمان و مکانی مخاطب قرآن کریم هستند. این ویژگی منحصر به فرد قرآن به دلیل خاتمیت دین مبین اسلام و پیامبر آن است که وظیفه هدایت بشر تا قیامت را بر عهده دارد.

در مرحله‌ی اول بیان شد که می‌توان از میوه‌های شراب‌ساز، رزق نیکو هم به دست آورد (نحل/۶۷). در مرحله دوم گفته شد که ضرر شراب بیش از منفعت آن است (بقره/۲۱۹). در مرحله‌ی سوم دستور داده شد که در حال مستی نماز نگذارید (نساء/۴۳).

۷. عدالت‌محوری

در سراسر تشریحات قرآنی، بر عدالت و رعایت حقوق متقابل افراد و اصناف مختلف تأکید شده است (سبحانی، ۱۳۷۸: ۸).

در مرحله چهارم به صورت قاطع شراب‌خواری ممنوع شد (مائده/۹۰) و شراب به‌عنوان چیزی پلید و از اعمال شیطانی معرفی شد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۸۹/۲).

در احکام دیگری همچون وجوب پرداخت زکات و رعایت حجاب و حرمت قمار، ربا، برده‌داری و ... نیز این شیوه به کار رفته است.^۱

۵. جامعیت و شمول

ضمن آنکه مقایسه احکام و قوانین قرآن با سایر مکاتب، این ویژگی تشریحات قرآنی را روشن‌تر خواهد کرد.

آموزه‌های قرآنی متناسب با همه نیازهای جسمی و روحی، فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی، فعلی و شأنی و در یک کلام هرآنچه در مسیر سعادت به آن نیاز دارد طراحی شده و هیچ کاستی در آن مشاهده نمی‌شود. قرآن در این زمینه می‌فرماید: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾ (نحل/۸۹). «و کتاب (قرآن) را بر تو فرو فرستادیم که بیانگر همه چیز است.»

۸. نظام‌مندی و ضمانت اجرایی

قرآن کریم مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته و جامع از احکام و آداب زندگی را پیش روی بشر نهاده و ضمانت داده است که در صورت عمل کردن به تمامی این مقررات (و پرهیز از پیروی گزینشی و سلیقه‌ای) هر فرد و جامعه‌ای به رستگاری خواهد رسید (مائده/۱۶ و اسراء/۹).

۹. مطابقت با عقل

قرآن کریم در آیات متعددی بر اهمیت تعقل و

۱. علامه طباطبایی ره بر این باورند که در این‌گونه موارد تحریم از ابتدا مدنظر بوده و قالب بیان «نهی تحریمی» در هر مرحله شدیدتر شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱۷/۶) البته این دیدگاه منافاتی با مدعای ما ندارد.

قرآن در آیه فوق به بندگان وعده قطعی می‌دهد که در صورت رعایت حریم الهی در مقام عمل، در دنیا برای آنها «حیات طیبه» رقم بزند و رستگاری اخروی آنها را نیز تأمین نماید.

حیات طیبه مفهوم عامی است که تمامی ابعاد زندگی را در بر می‌گیرد و نشان‌دهنده جامعیت قرآن و شمول آن نسبت به همه شاخصه‌های «سبک زندگی» است.

ب. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾ (انفال/۲۴)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [دعوت] خدا و فرستاده‌اش را بپذیرید، هنگامی که شما را به سوی چیزی فرا می‌خواند، که شما را حیات می‌بخشد.»

ویژگی «حیات‌بخش بودن» سبک زندگی اسلامی در این آیه برجسته شده است.

حیات در این آیه گذشته از معنای ظاهری زندگی دنیایی، می‌تواند حیات معنوی را نیز شامل شود که قرآن کریم دستیابی به آن را برای پیروان خود ضمانت کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۴/۹)

ج. ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (ابراهیم/۱)؛ «[این] کتابی است که آن را به سوی تو فرو فرستادیم، بخاطر اینکه مردم را به رخصت پروردگارشان، از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آوری، به سوی راه (خدای) شکست‌ناپذیر و ستوده.»

ظلمات و نور در این آیه، استعاره از گمراهی و هدایت هستند (زمخسری، ۱۴۰۷: ۵۳۷/۲). مفرد آمدن «نور» در برابر ظلمات که جمع است می‌تواند به این نکته اشاره داشته باشد که راه هدایت تنها یکی است و

بهره‌گیری از این حجت باطنی پافشاری کرده است.^۲ بر این اساس، برهان‌های توحیدی و کلامی استواری نیز در قرآن مشاهده می‌شود که هر مخاطب غیرمتعصبی در برابر آنها خاضع خواهد شد. در سایر موضوعات و احکام نیز هیچ گزینه عقل‌ستیزی در قرآن کریم مشاهده نمی‌شود (جوادی آملی، ۸۹: ۵۶).

برای تشریحات قرآنی ویژگی‌های دیگری همچون بیان تشویقی و کارکردی، تنوع در لحن بیان، پراکندگی در عین انسجام و... نیز بیان شده است (کریمی، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

ب- ادله درون‌دینی
به این مسأله در آیات و روایات فراوانی اشاره شده که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. آیات
در آیات متعددی از قرآن کریم بر وجود «برنامه جامع زندگی» در این کتاب آسمانی تأکید شده است. از جمله:
الف. ﴿مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (نحل/۹۷)؛ «هر کس از مرد یا زن، [کار] شایسته‌ای انجام دهد، در حالی که او مؤمن است، پس قطعاً او را به زندگانی پاکیزه‌ای زنده می‌داریم و حتماً مزدشان را بر طبق بهترین چیزی که همواره انجام می‌دادند، به آنان پاداش خواهیم داد.»

۲. ماده عقل و مشتقات آن ۴۹ مرتبه در قرآن به کار رفته است که در غالب این موارد بر بهره‌گیری از برهان و استدلال و برهیز از تقلید کورکورانه تأکید شده است.

ه. «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء/۹)؛ «همانا این قرآن، بدان (شیوه‌ای) که آن پایدارتر است، راهنمایی می‌کند.»

مقصود از اقوم، «عادلان‌تر (ابن منظور، ۱۴۱۴: ماده قوم)، صاف‌تر و استوارتر» بودن هدایت‌های قرآنی نسبت به سایر هدایت‌ها است (ابن عاشور، بی تا: ۴/۴۲۲).

قرآن به آیین، قوانین و راهی راهنمایی می‌کند که پابرجاترین و صاف‌ترین راه‌هاست؛ چرا که:
- عقایدی را ارائه می‌کند که روشن و خالی از خرافات است.

- هماهنگی بین عقیده، عمل و عالم طبیعت برقرار می‌کند و همه را به سوی خدا می‌خواند.

- قوانین اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ارائه می‌کند که همه جنبه‌های مادی و معنوی انسان را رشد می‌دهد.

- از افراط و تفریط در برنامه‌های عبادی و صفات اخلاقی و مواد غذایی جلوگیری می‌کند.

- نظامی حکومتی براساس عدل و مبارزه با ستمکاری پیشنهاد می‌کند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۴۰/۱۲).

پس قرآن در همه زمینه‌ها به روشن‌ترین، صاف‌ترین و استوارترین سبک زندگی دعوت می‌کند که با ساختمان روح و جسم و جان انسان

سایر شیوه‌های زندگی گرچه متعددند اما همگی در رساندن بشر به سعادت ناکارآمد هستند (رازی، ۱۴۲۰: ۵۸/۱۹).

این آیه شریفه هدف اساسی قرآن و رسالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را هدایت بشر از تاریکی‌ها به سوی زندگی نورانی معرفی می‌کند و نمونه بارز این تحول و «فرهنگ‌آفرینی» نیز در زمان نزول قرآن به نمایش گذاشته شد تا وجود این قابلیت برای سبک زندگی قرآنی به اثبات برسد (مغنیه، ۱۴۲۴: ۴/۴۲۲).

د. «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ؛ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (مائده/۱۶ و ۱۵)؛ «به یقین برای شما از جانب خدا، نور و کتابی روشنگر آمده است. خدا کسی را که از خشنودی او پیروی کند، به وسیله آن، به راه‌های سلامت، راهنمایی می‌کند و به رخصت خویش، آنان را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون می‌برد و به سوی راهی راست راهنمایی می‌کند.»
براساس آیه فوق، هر کس در راه رضای خدا گام بردارد و شیوه زندگی خود را از قرآن اتخاذ کند، در سایه قرآن به سه نعمت بزرگ دست می‌یابد: هدایت به سلامت همه‌جانبه؛ حرکت از تاریکی‌ها به سوی نور؛ و هدایت به راه مستقیم که سعادت دنیا و آخرت او را تأمین می‌نماید.^۳

که اهل استنباط و اهل نظر می‌توانند آن چیزی را که مورد نیازشان است، از آن به دست بیاورند و پیدا کنند.» (سخنرانی در جمع جوانان خراسان شمالی تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۲. به نقل از سایت www.leader.ir

۳. مقام معظم رهبری در این رابطه عبارت جامعی دارند: «در همه چیزها (موضوعات مربوط به سبک زندگی)، یا به طور خاص در منابع اسلامی ما موجود است، یا تحت یک عنوان کلی وجود دارد

سبیل» (عباشی، ۱۳۸۰: ۲/۱)؛ هر گاه آشوب‌ها چون شب تار شما را فرا گرفت به قرآن رو آورید... هر که آن را پیشوای خود کرد به بهشتش رهبری کند و هر که آن را پشت سر قرار دهد به دوزخش کشاند و قرآن راهنمایی است که به بهترین راه‌ها راهنمایی می‌کند.

دسته سوم روایاتی هستند که مسلمانان را به آموختن معارف و حلال و حرام قرآن ترغیب می‌کنند. روشن است که این آموزش، مقدمه «استنباط از قرآن» است. در روایتی از رسول خدا صلی‌الله علیه و اله و سلم می‌خوانیم:

«تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ، وَ تَعَلَّمُوا غَرَائِبَهُ، وَ غَرَائِبُهُ فَرَائِضُهُ وَ حُدُودُهُ، فَإِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ عَلَى خَمْسَةِ وُجُوهِ: حَلَالٍ، وَ حَرَامٍ، وَ مُحْكَمٍ، وَ مُتَشَابِهٍ، وَ أَمْثَالٍ، فَاعْمَلُوا بِالْحَلَالِ، وَ دَعُوا الْحَرَامَ، وَ اعْمَلُوا بِالْمُحْكَمِ، وَ دَعُوا الْمُتَشَابِهَ، وَ اعْتَبِرُوا بِالْأَمْثَالِ» (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۵۷).

علم قرآن را بیاموزید و غرائب آن را فراگیرید؛ غرائب آن احکام واجب و حدود آن است، چه قرآن بر پنج وجه (موضوع) نازل شده است: حلال و حرام و محکم و متشابه و امثال. پس به حلال عمل کنید و حرام را فرو گذارید، محکم را به کار بندید و متشابه را رها کنید و از امثال عبرت بگیرید.

دسته چهارم روایاتی هستند که «تجلی قرآن در سبک زندگی اهل بیت علیهم‌السلام» را به نمایش می‌گذارند. ائمه علیهم‌السلام به‌عنوان انسان‌های کامل و والاترین الگوهای بشری، «سبک زندگی» خود را به قرآن مستند می‌کردند. به‌عنوان نمونه در روایتی می‌خوانیم کنیزی نزد امام حسین علیه‌السلام آمد و او را به یک دسته گل تحیت گفت. آن حضرت فرمود: تو برای رضای خدای تعالی آزادی! راوی پرسید: او تو را

هماهنگ‌تر است. اگر چنین ظرفیتی در قرآن هست (که هست و در جوامع گوناگون تجربه شده است) توجیهی برای استنباط سبک زندگی از غیر قرآن وجود ندارد.

۲. روایات

در روایات نیز تأکید فراوانی بر «ضرورت استنباط سبک زندگی از قرآن» مشاهده می‌شود. روایات ناظر به این موضوع را می‌توان در چهار دسته زیر سامان داد:

دسته اول: روایاتی که ریشه همه آموزه‌های دینی را در قرآن می‌داند؛ مانند روایت زیر که از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَدَعْ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ وَ بَيَّنَّهُ لِرَسُولِهِ وَ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا وَ جَعَلَ عَلَيْهِ دَلِيلًا يَدُلُّ عَلَيْهِ وَ جَعَلَ عَلَى مَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ الْحَدَّ حُدًّا» (کلینی، ۱۳۶۵: ۵۹/۱)؛ خدای تبارک و تعالی چیزی از احتیاجات امت را وانگذاشت جز آنکه آن را در قرآنش فرو فرستاد و برای رسولش بیان فرمود و برای هر چیز اندازه و مرزی قرار داد و برای رهنمایی آن رهبری گماشت و برای کسی که از آن مرز تجاوز کند کیفری قرار داد.

دسته دوم روایاتی هستند که به مسلمانان توصیه می‌کنند در ناملايمات فردی و اجتماعی به قرآن پناه ببرند. رسول خدا صلی‌الله علیه و اله وسلم در روایت مشهوری می‌فرمایند:

«... فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ ... مِنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ مَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ وَ هُوَ الدَّلِيلُ يَدُلُّ عَلَى خَيْرٍ

تشخیص و عقل بشر تکیه کرده و مقررات زندگی را بر آن استوار نموده است، نه تنها تلاش بیهوده و بی‌حاصل کرده که انسان را از مسیر سعادت دورتر و کار او را دشوارتر کرده است.

در اینجا جهت روشن‌تر شدن «اضطراب به وحی در سبک زندگی» یک نمونه از نسخه‌هایی که مکاتب بشری برای انسان پیچیده‌اند را با آموزه‌های قرآنی مقایسه می‌کنیم:

یکی از عاداتی که مکاتب بشری در قرون اخیر تجویز کرده‌اند، پرهیز از پابندی به خانواده و حتی تشکیل دادن آن و ترویج تنها زندگی کردن است. با توجه به حس مسؤولیت‌گریزی و راحت‌طلبی انسان‌ها، این توصیه مورد استقبال برخی جوامع واقع شد و عده زیادی از مردم رو به زندگی فردی آوردند.

اما همین نسخه نامبارک پس از چندین دهه آثار شوم خود را نمایان کرد و ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکره این جوامع وارد کرد که افسردگی و اضطراب و افزایش قتل و جنایات جنسی از جمله آنها است.

اکنون همان مکاتب جهت جبران این ضایعه، به فکر ترویج زندگی دیجیتالی و پر کردن این خلأ توسط ماشین و عروسک و ربات خدمتکار افتاده‌اند. برخی دیگر نیز «حیوانات» را برای پر کردن جای خالی اعضای خانواده پیشنهاد می‌کنند. این تفکر، کار را به جایی رسانده است که فروشگاه‌ها و آرایشگاه‌های حیواناتی همچون سگ، بازار پررونقی پیدا کرده‌اند و حتی در سال‌های اخیر عمل جراحی زیبایی سگ و سایر حیوانات، هزینه‌های هنگفتی را بر صاحبان آنها تحمیل می‌کند! غافل از اینکه هیچ‌یک از این راه‌حل‌ها نمی‌تواند خلأ خانواده را در یک جامعه پر کند و

به یک دسته گل تحیت گفت که چندان قدر و قیمتی ندارد و تو او را آزاد کردی؟! فرمود: حق سبحانه و تعالی چنین ما را تأدیب فرمود که: «إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها» و بهتر از آن تحیت، آزادی او است (حلوانی، ۱۴۰۸: ۱۸۳).

این‌گونه روایات، جایگاه آموزه‌های قرآنی را در متن زندگی نشان می‌دهند.

اضطراب بشر به وحی در شیوه زندگی کردن در ابتدای مقاله عنوان شد که نیاز بشر به وحی فراتر از یک نیاز عادی و در حد اضطراب است. اکنون که این مسأله به‌عنوان پیش‌فرض به اثبات رسید، ضرورت استنباط همه ابعاد زندگی بشر و از جمله «سبک زندگی» از قرآن کریم روشن می‌شود. چنان‌که در خود قرآن به این هدایت‌گری اشاره شده است:

﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ (ابراهیم/۱)؛ «[این] کتابی است که آن را به‌سوی تو فرو فرستادیم، به خاطر اینکه مردم را به رخصت پروردگارشان، از تاریکی‌ها به‌سوی نور بیرون آوری.»

همچنین قرآن کریم دستورات سازنده خود را تنها راه رشد و بالندگی جهانیان و کسانی که به دنبال یافتن شخصیتی سرپا و استوار هستند معرفی می‌نماید:

﴿فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ؛ إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ؛ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ﴾ (تکویر/۲۶ ° ۲۸)؛ «پس به کجا می‌روید؟! آن (قرآن) جز یادآوری برای جهانیان نیست، برای کسی از شما که بخواهد به (راه) راست برود (و شخصیتی استوار پیدا کند).»

چنان که گذشت هر مکتبی که بر درایت و

هم‌نشین کردن انسان با حیوانات جز اهانت به او و پایین آوردن جایگاه انسانی او ثمره دیگری ندارد.

این در حالی است که قرآن کریم اولاً برای انسان جایگاه ویژه‌ای در میان مخلوقات قائل است که هیچ مخلوق دیگری نمی‌تواند جایگزین او باشد؛ (اسراء/۷۰) ثانیاً انسان کامل را انسانی می‌داند که علاوه بر رعایت اصول حاکم بر سبک زندگی فردی، پایبند به خانواده خویش است و اعضای خانواده برای او اهمیت و احترام ویژه‌ای دارند (اسراء/۲۳؛ نور/۳۲؛ تحریم/۶؛ و روم/۲۱).

مقایسه این آموزه‌ها با سوغاتی که در زمان ما از فرهنگ غربی وارد برخی کشورهای مسلمان می‌شود، شیفتگان سبک زندگی غربی را به این فکر فرو خواهد برد که چه فرهنگ غنی و پرباری را رها کرده‌اند و در مقابل چه به دست آورده‌اند.

نمونه‌ها

اکنون که خطوط کلی و راهکارهای اصلی استنباط به‌طور اجمالی روشن شد نوبت به تطبیق آنها بر مصادیق و به‌کارگیری قواعد پیش‌گفته است. قرآن کریم تنها کتاب آسمانی تحریف‌نشده و مرجع وحیانی پاسخ‌گویی به نیازهای بشر تا قیامت است که سبک زندگی هم یک از این نیازهاست. در این قسمت تعدادی از آیات که به طرز ملموس‌تری به سبک زندگی (به معنای خاص آن) ناظر هستند مورد بحث قرار گرفته‌اند:

الف. سبک زندگی فردی

قرآن کریم در سوره سبأ، ضمن بیان نعمت‌ها و معجزاتی

که به حضرت داود عنایت کرده، دو توصیه راهبردی به ایشان می‌نماید:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أُوِّبِي مَعَهُ وَ الطَّيْرَ وَ أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَ قَدَّرَ فِي السَّرْدِ﴾ (سبأ/۱۰ و ۱۱)؛ «و به یقین به داود از جانب خود بخششی دادیم و گفتیم ای کوه‌ها همراه پرنندگان با او (در تسبیح حق) هم‌آواز شوید و آهن را برای او نرم کردیم و به او دستور دادیم که زره‌های فراخ بساز و حلقه‌های (متناسب) اندازه زن.»

ظاهر آن است که این دو سفارش خدا به حضرت داود («اعمل سابغات» و «قَدَّرَ فِي السَّرْدِ») منحصر به ایشان نیست و دو توصیه فراگیر است که کاربرد همگانی دارد و لازم است در ترسیم سبک زندگی قرآنی به آنها پرداخته شود.

«سابغات» جمع مؤنث سالم سابع و از ریشه سیغ به معنای وسعت، گستردگی و کمال یک شیء است (راغب، ۱۴۱۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴؛ ماده سیغ)؛ «سرد» نیز در لغت به معنای وصل کردن اجزای یک شیء به همدیگر (مانند بافندگی) است (مصطفوی، ۱۳۶۰؛ ماده سرد).

لذا تعبیر «اعمل سابغات» توصیه به فراخی حلقه‌های زره است که حضرت داود با دست خود تولید می‌کرد. توصیه به گستردگی و فراخی حلقه‌های زره به این جهت بوده است که بهره‌وری از آن توسط رزمندگان بیشتر باشد و چنان تنگ نباشد که پوشیدن آن کار را بر رزمنده دشوار سازد و احساس سختی و سنگینی نماید. سپس بلافاصله تأکید می‌کند این فراخی بیش از اندازه نباشد که زره کارایی خود را از دست بدهد و مانع ضربات دشمن نشود. بلکه «قَدَّرَ فِي

السَّرد؛ اندازه متعارف و لازم را در بافتن زره رعایت کن و از هرگونه افراط و تفریطی که کیفیت محصول را پایین می‌آورد در تولید آن دوری کن.

به‌راستی آیا این دو توصیه، صرفاً خطاب به حضرت داوود و منحصر به ساخت زره هستند؟ هرگز چنین نیست. بلکه براساس آنچه گفته شد، از خصوصیات هم‌چون حضرت داوود و زمان ایشان، زره و فاصله حلقه‌های آن و تناسب زره با نیازی که رزمندگان به آن دارند دست می‌کشیم و مناط آن را استخراج می‌کنیم.

بنابراین این دو عبارت ما را به اصل «رعایت کیفیت و بهره‌وری بالا در تولید» و «لزوم محکم‌کاری و صحیح‌کاری» رهنمون می‌شوند که یکی از آموزه‌های مهم اسلام در عرصه کار و تولید است.

هم برای پسران مذمت کرده است؟ پاسخ مثبت است. چراکه در آیه اول نیز با بهره‌گیری از قاعده «الغاء خصوصیت» حکم مزبور بر سایر دختران جاری می‌شود.

شاهد آنکه در همین آیه شریفه دو مرتبه قید «الْمُؤْمِنَات» برای دخترانی که شایستگی ازدواج با مردان مؤمن را دارند، به کار رفته است: یکی برای زنان و دختران آزاد و دوم برای کنیزان؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که در هر دو مورد ملاک و معیار، ایمان است و در ادامه یکی از جلوه‌های مهم ایمان که پرهیز از انحرافات جنسی است بیان شده و دو مصداق آن (زنا، آشکار و ارتباط پنهانی با نامحرم) ذکر شده است. بنابراین آیه مذکور انحصار در کنیز و ملک یمین ندارد و همگان را شامل می‌شود.

ب. سبک زندگی خانوادگی

ارتباط دوستانه و پنهانی دختر و پسر نامحرم، پدیده‌ای است که در عصر حاضر بیش از هر دوران دیگری به چشم می‌خورد و لازم است که موضع قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام درباره آن و جایگاه آن در سبک زندگی اسلامی به‌روشنی تبیین گردد. در قرآن کریم دو مرتبه به این پدیده تصریح شده است (نساء/ ۲۵ و مائده/ ۵) که در یک ارتباط را برای دختران ممنوع می‌شمارد و آیه دوم برای پسران؛ اما موضوع آیه اول عمومیت ندارد و در مورد کنیزان است. در حالی که در آیه دوم سخن از ازدواج معمولی زن و مرد آزاد و غیرمملوک است.

با این وجود آیا می‌توان ادعا کرد که قرآن کریم ارتباط دوستانه با جنس مخالف را هم برای دختران و

ج. سبک زندگی اجتماعی

قرآن کریم در سوره مبارکه مجادله می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا﴾ (مجادله/ ۱۱)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که به شما گفته شود: در مجلس‌ها جای گشایید، پس جای گشایید، که خدا برای شما جای می‌گشاید و هنگامی که گفته شود: برخیزید، پس برخیزید.»

سبب نزول این آیه شریفه، آموختن آداب مجالست به عده‌ای از مسلمانان است که در سکوی صفه اقامت داشتند و در یکی از محافل شلوغ روز جمعه، عده از مسلمانان بر آنها وارد شدند و کسی برای آنان جا باز نکرد. تا آنجا که رسول خدا صلی الله علیه و

اله و سلم ناچار شدند به عده‌ای از افراد تذکر بدهند و برای افراد تازه‌وارد جا باز کنند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۵۲/۹؛ محقق، ۱۳۶۱: ۷۸۴).

اما روشن است که این سبب نزول، از عمومیت و شمول آیه نمی‌کاهد و از عناصری همچون اصحاب صفة، مسجد پیامبر صلی‌الله‌علیه و اله و سلم، روز جمعه و... الغاء خصوصیت می‌شود. لذا در خود آیه نیز به صورت یک قاعده کلی، به «جا باز کردن برای دیگران در مجالس» توصیه شده است که یکی از آموزه‌های سبک زندگی قرآنی در آداب معاشرت به شمار می‌رود.

بدون شک این قاعده کلی در زمان حاضر مصادیق جدیدی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- جا دادن به دیگران (خصوصاً افراد بیمار و کهنسال) در وسایل نقلیه عمومی؛
- واگذار کردن صندلی خود به دیگران، در صف پزشکی، آزمایشگاه و سایر اماکن پر ازدحام؛
- جا باز کردن برای مؤمنین در مجالس سخنرانی، عزاداری و سفره‌های اطعام عمومی؛
- اکتفا به زیارت مختصر و واگذاری جا به دیگران، در اماکن مقدسه و زیارتگاه‌ها.

این توصیه قرآنی بر احترام متقابل بین مؤمنان تأکید دارد و در صورتی که همه شهروندان بلاد اسلامی به آن عمل کنند، صمیمیت و احترام خاصی بر جامعه حاکم می‌شود و شیرینی سبک زندگی قرآنی را برای همگان محسوس‌تر خواهد کرد.

آثار استنباط سبک زندگی از قرآن اکنون که ضرورت و لزوم استنباط سبک زندگی از قرآن کریم روشن شد، لازم است پاره‌ای از ثمرات گوارای این بحث ذکر شود تا اهمیت آن بیش از پیش روشن گردد. مهم‌ترین این آثار عبارت‌اند از:

۱. تأمین سعادت دنیا و آخرت بشر

چنان که گذشت، قرآن کریم تمامی ابعاد زندگی بشر را در نظر گرفته و در صورتی که به آموزه‌های انسان‌ساز قرآن عمل شود، دنیا و آخرت انسان‌ها آباد می‌شود. این همان وعده‌ای است که در خود قرآن نیز به آن اشاره شده است (نحل/۹۷)

۲. مهجوریت‌زدایی از قرآن

قرآن کریم گلابه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در روز قیامت نسبت به رها شدن قرآن توسط امت، گزارش می‌کند (فرقان/۳۰). مهجوریت قرآن ابعاد مختلفی دارد و شامل کوتاهی مسلمانان در تلاوت، حفظ، تدبر، ترجمه، تفسیر و... می‌شود؛ اما مهم‌ترین بُعد مهجوریت قرآن، فاصله‌گرفتن آن از صحنه زندگی مسلمین است.

استنباط سبک زندگی از قرآن موجب حضور قرآن در متن زندگی می‌شود و از این رهگذر می‌توان (در حد توان) از قرآن مهجوریت‌زدایی کرد.

۳. عینیت‌بخشی به آموزه‌های قرآنی

چنان که در ادامه تشریح خواهد شد، قرآن کریم دستورات خود را در قالب قواعد کلی و فراگیر بیان می‌کند و نوعاً به جزئیات و مصادیق نمی‌پردازد.

خواهند داشت. گذشته از آنکه یکی از آموزه‌های سبک زندگی قرآنی پرهیز از اختلاف و تفرقه است که نتیجه عمل کردن به آن، وحدت و یکپارچگی امت اسلام خواهد بود.

۶. ترسیم نقشه راه آیندگان

روش‌شناسی استنباط سبک زندگی از قرآن، الگوی مناسبی برای تطبیق اقتضات هر عصری بر آموزه‌های قرآنی است. لذا با تدوین این روش‌شناسی، الگویی فراگیر از قرآن استخراج می‌شود و نسل‌های آینده نیز می‌توانند با تکیه بر آن، سبک زندگی خود را بر آموزه‌های قرآنی تطبیق نمایند.

بحث و نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت روشن شد که گرچه احکام ثابت قرآنی تا قیامت پابرجا و لایتغیر هستند اما برخی موضوعات همواره در حال تغییر و تحول‌اند و در هر زمان مصداق جدیدی پیدا می‌کنند.

«استنباط سبک زندگی از قرآن» ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است که به صورت روشمند و متناسب با این تحولات، این نیاز جامعه بشری را پاسخ می‌گوید. شایسته است قرآن‌پژوهان و دانشمندان علوم اسلامی بیش از پیش به تدوین روش‌شناسی معتبر در این زمینه بپردازند تا در هر زمان تطبیق آموزه‌های دینی بر مصداق عصری، عالمانه صورت گیرد و از آسیب‌هایی همچون تفسیر به رأی و برداشت‌های سلیقه‌ای مصون بماند.

از این رو ممکن است کارایی آن در صحنه زندگی بشر (خصوصاً در عصر حاضر) چندان برای عموم مردم ملموس نباشد؛ اما اگر این قواعد کلی به صورت روشمند استخراج و بر مصداق امروزی خود تطبیق شوند و در صحنه اجتماع مجسم گردند، جامعه اسلامی شیرینی هدایت‌های قرآنی را بیش از پیش خواهد چشید.

این مسأله همچنین در «اثبات کارآیی دین» و «نقش‌آفرینی دین در تمامی عرصه‌ها» تأثیر بسزایی خواهد داشت.

۴. صدور فرهنگ اسلامی به اقصی نقاط جهان

بدون تردید قرآن کریم ظرفیت هدایت کل بشر را در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها دارد و طیف وسیعی از مردم جهان از این توفیق محروم هستند. به نظر می‌رسد جهت بهره‌مند کردن آنان از هدایت‌های قرآنی لازم است آموزه‌های قرآن در حوزه سبک زندگی به صورت روشمند استخراج شود و الگویی از زندگی قرآنی پیش روی آنان قرار گیرد. بی‌شک با توجه به عطشی که جهانیان نسبت به یک برنامه جامع زندگی دارند چنین کاری علاقه و انگیزه آنان را نسبت به قرآن و دستورات آن بیشتر خواهد کرد.

۵. یکپارچگی امت اسلام و زدودن اختلافات مذهبی

اگر سبک زندگی اسلامی در تمام جوامع مسلمان حکم‌فرما شود زمینه وحدت امت اسلامی مهیا خواهد شد چرا که در این صورت همه مسلمانان حول یک محور خواهند چرخید و شیوه زندگی واحدی

- منابع
- قرآن کریم. ترجمه گروهی دکتر رضایی اصفهانی و همکاران.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا). *التحریر و التتویر*. بی جا: مؤسسة التاریخ.
- ابن فارس، احمد (۱۳۸۷). *مقایس اللغة*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۴). *فرهنگ معاصر عربی فارسی*. تهران: نشر نی.
- جعفرزاده، محمدحسن (۱۳۹۳). *منشور فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری (ره)*. تهران: ولاء منتظر.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *انتظار بشر از دین*. قم: نشر اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰). *الصحاح*. بیروت: دار العلم.
- حلوانی، حسین بن محمد (۱۴۰۸). *نزهة الناظر و تنبیه الخاطر*. قم: مدرسة الإمام المهدي.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغت نامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: دارالعلم.
- رحیمیان، سعید (۱۳۷۹). *ققه و زمان*. شیراز: نشر نوید.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۹). *منطق تفسیر قرآن*. قم: پژوهشگاه بین المللی المصطفی.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی و همکاران (۱۳۸۷).
- تفسیر قرآن مهر. قم: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآنی.
- رکنی یزدی، محمدمهدی (۱۳۷۹). *آشنایی با علوم قرآنی*. تهران: انتشارات سمت.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دار الکتب العربی.
- سبحانی، جعفر (خرداد ۱۳۷۸). «جلوه های عدل الهی در تشریح و تقنین». *درس های از مکتب اسلام*. سال ۳۹. شماره ۳. صص ۸-۱۹.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان لعلوم القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱). *الامالی*. قم: دار المعارف الإسلامیة.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). *التفسیر*. تهران: المطبعة العلمیة.
- فخر الدین رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت.
- کاویانی، محمد (۱۳۹۱). *سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کریمی، مصطفی (۱۳۹۲). *ضوابط استنباط احکام از آیات قرآن در آموزه های معصومین*. تهران: دانشگاه امام صادق.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیة.

- محقق، محمدباقر (۱۳۶۱). *نمونه بینات در شأن نزول آیات*. تهران: انتشارات اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). *حقوق و سیاست در قرآن*. قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). *فطرت*. تهران:
- انتشارات صدرا.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴). *تفسیر الکاشف*. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷). *دائرة المعارف فقه مقارن*. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- ولایی، عیسی (۱۳۸۷). *فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول*. تهران: نشر نی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی